

مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی، رویکردی مناسب جهت توسعه پایدار سواحل

مکران

رضا منصوری^۱

چکیده:

مناطق ساحلی یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین واحدهای مورفولوژیکی زمین هستند که به شدت توسط انسان مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛ به طوری که امروزه حدود دوسوم جمعیت زمین در فاصله ۶۰ کیلومتری از خط ساحلی زندگی می‌کنند. تمرکز زیاد جمعیت در مناطق ساحلی و بهره‌برداری‌های متنوع در زمینه‌های اقتصادی، بازرگانی، حمل‌ونقل، گردشگری و حتی نظامی از این مناطق سبب بروز مسائل محیطی متعدد و تضادها و تناقض‌هایی در امر مدیریت و ساماندهی شده است؛ بنابراین، جهت استفاده بهینه و پایدار از پتانسیل‌های بی‌شمار مناطق ساحلی، ضروری است از شیوه‌ای یکپارچه در بحث مدیریت این مناطق استفاده گردد. امروزه برای این منظور از طرح موسوم به "ICZM" یا «مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی» استفاده می‌شود. کشور ایران نیز با دارا بودن بیش از ۳۰۰۰ کیلومتر خط ساحلی در کرانه‌های دریای کاسپین، خلیج فارس و دریای عمان و نیز با توجه به قرارگیری در موقعیت ژئواستراتژیک (خاورمیانه، تنگه هرمز و دسترسی به اقیانوس هند) خود یک کشور ساحلی با اهمیت بسیار زیاد در منطقه و جهان محسوب می‌شود. از بین کرانه‌های ایران، کرانه‌های دریای عمان (مکران) با توجه به دسترسی مناسب به آب‌های اقیانوسی (منطقه چابهار) و وجود زمین‌های پسرکانه مناسب یکی از مهم‌ترین مناطق ژئواستراتژیک ایران در جهت توسعه پایدار کشور و به‌ویژه بخش خاوری- جنوب‌خاوری محسوب می‌شود. هدف این پژوهش بررسی طرح مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی در زمینه توسعه پایدار کرانه‌های مکران است. مشخص شد علیرغم وجود مسائل و تنگنهایی که در کرانه‌های مکران وجود دارد؛ اما پیاده‌سازی دقیق و اصولی طرح مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی می‌تواند گامی مؤثر در جهت دستیابی به توسعه پایدار این مناطق باشد.

واژگان کلیدی:

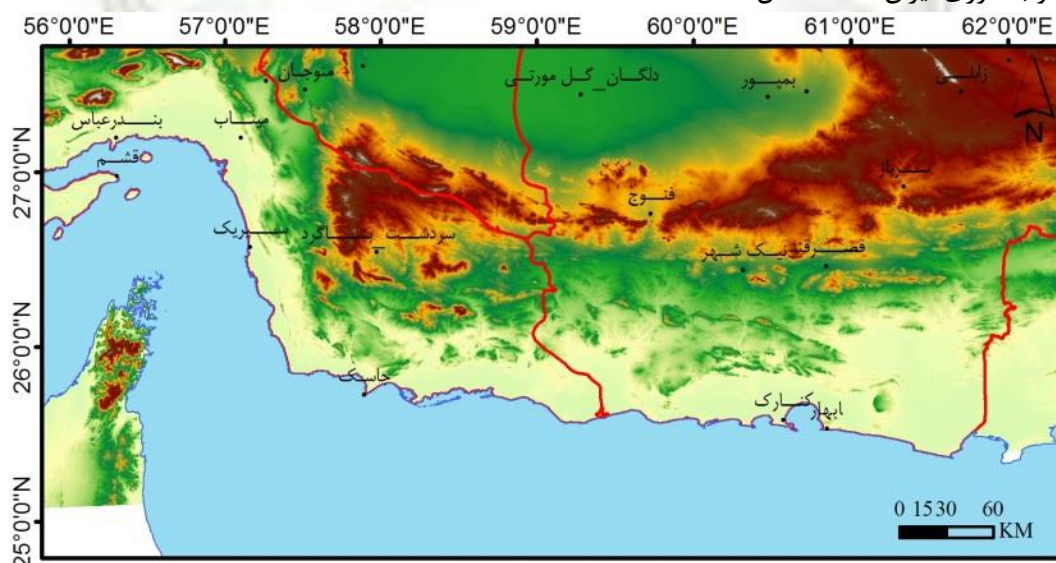
مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی، سواحل مکران، توسعه پایدار.

۱. مقدمه

در گذر تاریخ، مناطق ساحلی همواره مورد توجه و بهره‌برداری انسان بوده است؛ به طوری که تمدن‌های بشری همواره در کنار دریا و در نزدیکی حوضه‌های رودخانه‌ای گسترش پیدا نموده‌اند. به عبارت دیگر، منطقه ساحلی در تمام ادوار، منطقه مناسبی برای مردم بوده به طوری که انواع گوناگون و دسترسی آسان را برای آنها فراهم نموده است (ثروتی و همکاران، ۱۳۹۴؛ ۳). همچنین، سواحل شامل محیط‌های طبیعی مهمی می‌باشند که به شدت توسط مردم مورد استفاده قرار می‌گیرند. از طرف دیگر، نواحی ساحلی فضایی را برای سکونت، فعالیت‌های صنعتی و توسعه گردشگری فراهم می‌آورند. میزان و شدت حضور و فعالیت‌های متعدد انسان در مناطق ساحلی روزبه‌روز در حال توسعه افزایش است؛ به گونه‌ای که امروزه شاهد افزایش ارتباط کارکردی انسان در این مناطق هستیم. این در حالی است که در بیشتر مناطق ساحلی دنیا، بسیاری از فعالیت‌های انسان با یکدیگر در تضاد بوده و مسائل و مشکلاتی را برای این مناطق حساس و شکننده به وجود آورده‌اند. از این‌رو، بهره‌گیری‌های گوناگون انسان از محیط‌های دریایی و اقیانوسی و این واقعیت که حدود دو سوم جمعیت جهان در سواحل دریاها و اقیانوس‌ها زندگی

۱. استادیار گروه ژئومورفولوژی، دانشکده جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.
Rezamansouri@gep.usb.ac.ir

می‌کنند، اهمیت شناسایی، مطالعه و بررسی هر چه بیشتر این محیطها را نشان می‌دهد. این موضوع برای کشور ما نیز که با دریای خزر، دریای عمان و خلیج فارس مرزهای آبی گسترده‌ای دارد، مصداق می‌یابد (ثروتی، ۱۳۹۳؛ ۱). مناطق ساحلی علیرغم اینکه درصد کوچکی از تمام مناطق قاره‌ای را بر روی کره زمین تشکیل می‌دهند، ولی از بسیاری جهات و به‌ویژه از جهت اقتصادی، بازرگانی، حمل‌ونقل و گردشگری دارای اهمیت بسیاری هستند. درواقع، ساحل، جزئی از سیستم زمین است که بیشتر انسان‌ها آن را به‌عنوان محل سکونت خود برمی‌گزینند (قنوتی و همکاران، ۲۰۰۸؛ ۹۴۵). مناطق ساحلی از این جهت مورد توجه بشر واقع می‌شوند که از پربارترین و پویاترین مناطق روی کره زمین بوده و بستر فعالیت‌های بزرگ اقتصادی و اجتماعی هستند و همواره نیز از نظر سیاسی و نظامی از محدوده‌های حساس ملی و فراملی محسوب می‌گردند. شاید بتوان گفت مهم‌ترین عاملی که باعث توجه و تمرکز بیش‌ازاندازه بشر به مناطق ساحلی می‌شود منابع سرشار و فعالیت‌های بزرگ اقتصادی است که در مناطق ساحلی صورت می‌گیرند (قنوتی و همکاران ۱۳۹۲ الف، ۸۰؛ قنوتی و همکاران ۱۳۹۲ ب، ۳۰)؛ بنابراین، به دلیل پیچیدگی‌های بسیار زیادی که بین فعالیت‌های طبیعی و انسانی در منطقه ساحلی وجود دارد، مدیریت ساحل با سختی‌هایی همراه است؛ چراکه این پیچیدگی‌ها باعث ایجاد مسائل متعددی در مناطق ساحلی می‌شوند که نیازمند مدیریت مستمر و یکپارچه هستند. در کرانه‌های جنوبی ایران در دریای عمان و خلیج فارس، بهره‌برداری نامناسب از منابع طبیعی، فقدان تأسیسات کافی مهار آب‌های سطحی و کاهش آب‌های زیرزمینی، عدم تجهیز تأسیسات بندری متناسب با قابلیت‌های توسعه منطقه، عدم تناسب شبکه‌های زیربنایی و به‌ویژه ظرفیت شبکه حمل‌ونقل متناسب با الزامات توسعه، عدم رعایت استانداردهای زیست‌محیطی در استقرار فعالیت‌ها، عدم وجود تعادل فضایی میان تمرکز فعالیت‌های مدرن صنایع نفت و گاز با سایر فعالیت‌ها، تغییر کاربری اراضی مستعد کشاورزی، شکاف میان شاخص‌های زیربنایی- فیزیکی، کمبود تأسیسات و تجهیزات گردشگری، افزایش آلودگی آب دریا و مناطق ساحلی و نظیر آن‌ها از اصلی‌ترین چالش‌هایی است که به‌رغم وجود موقعیت حساس و استراتژیک در جوار آب‌های آزاد بین‌المللی، قرار گرفتن در مسیر کریدورهای بین‌المللی شمال و جنوب و دسترسی به بازارهای مستعد منطقه، برخورداری از منابع عظیم نفت و گاز و صنایع وابسته و منبع غنی دریایی در آن مناطق مشاهده می‌شود. هدف این پژوهش، بررسی طرح مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی در روند دستیابی به توسعه پایدار در سواحل مکران در بخش جنوب‌خاوری ایران است (شکل ۴).



شکل ۴: موقعیت منطقه مورد مطالعه.

۲. مبانی نظری پژوهش

مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی

دستور کار ۲۱ کنفرانس جهانی محیط‌زیست که در سال ۱۹۹۲ در ریودوژانیرو برگزار شد، باعث گردید تا انگیزه لازم برای کشورها در زمینه برنامه‌ریزی به‌منظور مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی شکل بگیرد. در این دستور کار اهداف مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی، یکپارچه کردن فرایند تصمیم‌گیری در مناطق ساحلی و دخالت دادن کلیه بخش‌های درگیر به‌منظور سازگاری و توازن در بهره‌برداری و استفاده از منابع ساحلی ذکر شده است. این موضوع به‌نوبه خود نیازمند هماهنگی و همکاری سازمان‌ها و ادارات مختلف دولتی در سطوح ملی و منطقه‌ای است که دارای وظایف و مسئولیت‌هایی در رابطه با سواحل هستند. دولت ایران نیز با توجه به اهمیت و توانایی‌های طرح مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی، این طرح را به‌عنوان راه‌حلی مناسب در درازمدت برای دستیابی به توسعه پایدار در مناطق ساحلی کشور برگزیده و نخستین مرحله از مطالعات طرح ICZM در ایران با تأکید بر شناسایی و تعیین مرزهای منطقه ساحلی انجام یافته است (سازمان بنادر و دریانوردی، ۱۳۸۸ و ۱۳۹۳).

در حال حاضر، این امر به‌طور گسترده‌ای به رسمیت شناخته شده است که همانند حوضه‌های رودخانه، مدیریت یکپارچه منطقه ساحلی برای دستیابی به توسعه پایدار ضروری و مورد نیازمند می‌باشد. چنین رویکرد جدیدی، مدیریت یکپارچه منطقه ساحلی^۱ یا مدیریت یکپارچه ناحیه ساحلی^۲ نامیده می‌شود (ثروتی و همکاران، ۱۳۹۴؛ ۶). مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی، در عمل یکپارچه‌سازی فرایند تصمیم‌گیری در مناطق ساحلی و دخالت دادن همه بخش‌های درگیر، به‌منظور سازگاری و توازن در بهره‌برداری و استفاده از منابع ساحلی است. به‌عبارت‌دیگر، مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی، فرایندی خاص با اهداف پویا و پیچیده برای برنامه‌ریزی است که بر محل تلاقی خشکی و دریا تمرکز دارد و به برخی از مفاهیم ثابت و متغیر، حفاظت از محیط‌زیست، اهداف اقتصادی و اجتماعی و روش‌های مدیریت مشارکتی برای حل مسائل و مشکلات تأکید نموده و از مبانی علمی قوی در این فرایند استفاده می‌کند. یکپارچگی، مرکز ثقل و سنگ زیربنای طرح مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی است. این طرح برای یکپارچه‌سازی سیاست‌های مختلفی که بر روی سواحل تأثیرگذارند تلاش می‌کند و نیز افراد ذی‌نفع را از سطوح محلی تا سطوح ملی به‌منظور آگاهی، پشتیبانی و اجرای این سیاست‌ها به هم پیوند می‌دهد. همچنین، در درازمدت هدف مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی، ایجاد توازن میان منافع حاصل از توسعه اقتصادی و استفاده انسان از سواحل، حفاظت، نگهداری و بازسازی سواحل، به حداقل رسانیدن خسارات جانی و مالی در سواحل و کسب منافع مترتب بر دسترسی و بهره‌گیری همگانی از سواحل است. این به‌نوبه خود نیازمند هماهنگی و همکاری سازمان‌ها و ادارات مختلف دولتی در سطوح ملی و منطقه‌ای است که دارای وظایف و مسئولیت‌هایی در رابطه با سواحل هستند. در مدیریت جدید، مدیریت ساحلی از آن‌رو یکپارچه نامیده شده که این مدیریت به‌وسیله سازمانی مسئول و به‌صورت یکپارچه و نه‌بخشی و با توجه به ملاحظات حفاظت فیزیکی و اکولوژیک سواحل انجام می‌گیرد. ذکر این نکته ضروری است که مدیریت یکپارچه جایگزین فعالیت سازمان‌های بخشی (وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها) نمی‌شود، بلکه ضمن داشتن تکالیف خاص در پی کاهش تداخل، تزاخم و رفع تعارض و تضاد میان فعالیت‌های آنها است.

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر با استفاده از شیوه تحلیلی-توصیفی و با تکیه بر مفاهیم نظری و مفهومی، به بررسی نقش، اهمیت و کاربرد طرح مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی در دستیابی بهینه و پایدار به توسعه در کرانه‌های مَکْران پرداخته

۱. Integrated Coastal Zone Management (ICZM)

۲. Integrated Coastal Area Management (ICAM)

است. به عبارت دیگر، بر پایه اسناد و منابع کتابخانه‌ای و تجارب جهانی، توانایی‌ها و کارکردهای طرح مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی در راستای توسعه پایدار این مناطق تحلیل محتوا شده است.

۴. بحث

با توجه به وجود فعالیت‌های متنوع در سواحل از یک سو و تعارض میان بهره‌برداران و برنامه‌های بخشی از سوی دیگر، نظارت و مدیریت بهینه منابع در مناطق ساحلی کشور را الزام‌آور می‌سازد. همچنین پیچیدگی بسیار زیاد فعالیت‌های طبیعی، فیزیکی و انسانی در منطقه ساحلی وظایف مدیریت آن را مشکل می‌سازد (گودرزی‌نژاد، ۱۳۷۸، ۱۵۸). به همین دلیل، این مناطق نیازمند مدیریت مستمر و یکپارچه می‌باشند.

کرانه‌های خلیج فارس، ساحل نفتی-گازی، شیلاتی، تجاری و سکونتی محسوب می‌شود. در طول کرانه‌های خلیج فارس نقش ارتباطات و حمل‌ونقل دریایی ناشی از تجارت ملی و بین‌المللی، قانونی و غیرقانونی، فعالیت‌های ناشی از نفت و گاز و ماهیگیری و شیلات سه رویکرد اصلی اقتصاد در این نواحی محسوب می‌شود. کرانه‌های دریای عمان نیز از منظر موقعیت جغرافیایی و طبیعی، ژرفای آب‌های ساحلی، تعدد خورها، نزدیکی بدون واسطه به بنادر اصلی آسیا و امتیازات دیگر، به‌ویژه از نظر تجارت و بازرگانی بین‌المللی، شیلات و صنایع ویژه بالقوه بهترین ساحل ایران برای توسعه اقتصادی می‌باشد؛ اما از سوی دیگر، وجود شرایط سخت آب‌وهوایی، آلودگی آب‌های ساحلی، فرسایش، روان‌گرایی و لرزه‌خیزی بالای منطقه ساحلی خلیج فارس و دریای عمان، کمبود تأسیسات و زیرساخت‌های گردشگری، تنگناهای اقتصادی معیشت ساحل‌نشینان و تخریب محیط‌زیست، تردد زیاد شناورهای حمل‌ونقل نفت، افزایش تقاضا برای احداث سازه‌های دریایی، توسعه مناطق ویژه و آزاد اقتصادی بدون توجه به برنامه‌های هماهنگ از جمله مهم‌ترین نقاط ضعف در این پهنه ساحلی به‌شمار می‌رود. بی‌شک این حجم عظیم ظرفیت به‌منظور افزایش توانمندی و کاهش نقاط ضعف در این مناطق نیازمند مدیریتی یکپارچه است.

مسائل و مشکلات مناطق ساحلی خلیج فارس و دریای عمان:

در ازای خطوط ساحلی ایران در جنوب بالغ بر ۲۰۹۸ کیلومتر می‌باشد (علائی طالقانی، ۱۳۹۰). سواحل جنوبی کشور به‌صورت نواری نابرابر در جهت شمال باختری- جنوب خاوری از خوزستان تا بندرعباس در حاشیه شمال خلیج فارس و یا در جهت باختری- خاوری از بندرعباس تا خلیج گوادر در حاشیه شمالی دریای عمان گسترده شده‌اند. پرتگاه‌های ناهموار در کناره فلات داخلی ایران بر ناحیه ساحلی متشکل از سنگ‌های ترشیاری با رشته‌کوه‌های حاصل از چین‌خوردگی آلپی و نیز دشت‌های باریک ساحلی مشرف گشته است. خط ساحلی به‌موازات پشته‌های تاق‌دسی امتداد یافته که برای نمونه می‌توان به جزیره قشم اشاره نمود. گنبد‌های نمکی دایره شکل فراوانی در جنوب (لارستان) وجود دارد که در نتیجه نفوذ دیاپیری از افق نمکی زیرین متعلق به دوره کامبرین شکل گرفته‌اند. رودخانه‌هایی که به‌طرف ساحل زهکشی می‌کنند اغلب دارای مسیره‌های کوتاه و شیب‌دار هستند. چشم‌انداز به‌شدت بیابانی می‌باشد؛ اقلیم در تابستان گرم و خشک و در زمستان ملایم و بارانی است. توفان‌های بهاری باعث ایجاد سیل ناگهانی در رودهای زهکشی‌کننده به‌طرف ساحل گشته و نهشته‌های ضخیم گل‌ولای بر روی جلگه‌های آبرفتی در اطراف دهانه رودها بر جای می‌گذارد (اریک بیرد، ۲۰۱۰). با اینکه تراکم جمعیتی در مناطق ساحلی جنوب کم و در بعضی مناطق تا حدودی خالی از سکنه است اما باز این مناطق با مسائل و مشکلاتی چند روبرو هستند. سواحل جنوب بیشتر با مسائل محیط‌زیستی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مواجهه‌اند که در زیر به برخی از این مشکلات اشاره می‌شود.

مشکلات طبیعی و زیست‌محیطی

مسائل مرتبط با استخراج نفت و گاز (برای مثال: کرانه‌های شمالی خلیج فارس به دلیل دارا بودن ذخایر نفتی و گازی و همچنین ارتباط با آب‌های آزاد بیشتر از سایر کرانه‌های کشور دستخوش تحولات شدید ژئومورفولوژیکی شده‌اند)؛ آلودگی منطقه ساحلی؛ تخلیه فاضلاب‌های جامد و مایع شهری، صنعتی و کشاورزی به دریا.

مشکلات اقتصادی

فعالیت کشاورزی ناچیز در نتیجه اقلیم نامناسب، منابع آب شیرین محدود، نبود اقدامات کنترل سیل، کشت نامناسب؛ تجارت دریایی ضعیف یا منفعل؛ فقدان تجهیزات و خدمات گردشگری؛ کمبود آب شیرین.

مسائل فیزیکی/فضایی

ساخت و توسعه نامنظم و غیرقانونی؛ تغییر غیرقانونی کاربری ارضی؛ زیرساخت‌های ارتباطی نامناسب.

مسائل اجتماعی - فرهنگی

ارتباط ضعیف با زمین پشت ساحل؛ تجارت غیرقانونی و قاچاق؛ توسعه‌نیافتگی و فقر. از مهم‌ترین اهداف اصلی مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: دستیابی به توسعه پایدار در استفاده‌های چندگانه از مناطق ساحلی؛ حفظ فزایندهای حیاتی اکولوژیک، سیستم‌های حمایت‌کننده از حیات و تنوع زیستی در مناطق ساحلی کاهش آسیب‌پذیری مناطق ساحلی و ساکنان آنها نسبت به خطرات طبیعی و مصنوعی؛ تحلیل و پرداختن به نشانه‌های توسعه، استفاده‌های متناقض و روابط داخلی بین فرایندهای فیزیکی و فعالیت‌های انسانی در مناطق ساحلی؛

تشویق پیوند و هماهنگی بین بخش‌ها و فعالیت‌های ساحلی.

جهت‌گیری‌های اساسی در طرح مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی با رویکرد توسعه پایدار در جدول ۱۱ نشان داده شده است. جهت‌گیری‌های اصلی طرح مذکور در شش محور اقتصادی، اجتماعی، سیاسی-امنیتی، قانونی-مدیریتی، کالبدی و زیست‌محیطی سامان یافته‌اند. مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی در صدد است که حفاظت از محیط‌زیست را با توسعه اقتصادی، از طریق به‌کارگیری ابزار مناسب ترکیب کند. این فرایند هم محیط طبیعی و هم ساکنان مناطق ساحلی را مورد توجه قرار می‌دهد. به عبارتی مدیریت سواحل به دنبال ساماندهی واحدهای کاربر از منطقه ساحلی است و علاقه دارد عدالت اجتماعی در توزیع امکانات فضایی و اقتصادی رعایت شود. مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی با هدف رفع منازعات به دنبال سازگاری فعالیت‌های ناحیه ساحلی با یکدیگر است. رویکرد زیست‌محیطی در این مدیریت همچنین در جستجوی سازگاری فعالیت‌های منطقه ساحلی با توان‌های محیطی است تا منازعات از طریق جانمایی و امکان‌سنجی محیط‌زیست مرتفع شوند.

جدول ۱۱: جهت‌گیری‌های اساسی در سواحل کشور.

<p>فرهنگ و</p>	<p>توسعه مشارکت موثر و همه‌جانبه مردم ایجاد زمینه مشارکت همگانی در ساماندهی مناطق ساحلی فرهنگ سازی استفاده مناسب از سواحل و دریا ایجاد تعادل نسبی در توزیع و ترکیب جمعیت حفظ و نگهداشت جمعیت در مراکز جمعیتی کوچک و پراکنده و برقراری تعادل در الگوی استقرار جمعیت با متنوع سازی فعالیت ها، ایجاد اشتغال و افزایش نقش فعالیتهای صنعتی و خدماتی قابل استقرار در این مرکز</p>
<p>اقتصادی</p>	<p>افزایش ظرفیت های اکتشاف و بهره برداری از ذخایر عظیم نفت و گاز و استفاده از این منابع در راستای توسعه فعالیت های صنعتی مبتنی بر تقویت صنایع بالادستی و پایین دستی نفت و گاز و تکمیل زنجیره های تولید با تاکید بر اولویت بهره برداری از میداین مشترک و کاهش صدور مواد خام نفتی، ارتقاء جایگاه صنعت گردشگری در اقتصاد ملی با استفاده از ظرفیتهای موجود دستیابی به توسعه پایدار اقتصادی - اجتماعی از طریق بهره برداری مناسب از ظرفیت های ساحلی استفاده از دریا به عنوان دروازه های ارتباط و تعامل با سایر کشورها در راستای توسعه همه جانبه کشور و برون گرایی اقتصادی گسترش تعامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی درون و بین منطقه ای در راستای تقویت همبستگی ملی توسعه صنایع تولید کالاهای مورد نیاز کشورهای منطقه، با اولویت استقرار در جوار بازارهای مصرف این کشورها در استان های مرزی استفاده پایدار از قابلیت های طبیعی و امکانات آب و خاک برای توسعه فعالیتهای کشاورزی و صنایع وابسته و تبدیلی مرتبط با آن در راستای دستیابی به امنیت غذایی و توسعه صادرات محصولات کشاورزی توجه به محدودیت های آب برای مصارف کشاورزی با توجه به افزایش راندمان آب، افزایش سهم فعالیت های اقتصادی و انتقال درون و بین حوضه ای آب با توجه حفظ تعادل های محیطی</p>
<p>تربیتی - امنیتی</p>	<p>ساماندهی جوامع انسانی و تاسیسات در مناطق ساحلی و حفظ ایمنی آنها در برابر مخاطرات محیطی و امنیتی رعایت ملاحظات امنیتی و دفاعی، حفاظت از محیط زیست و حراست از میراث فرهنگی در استقرار جمعیت و فعالیت بویژه در محدوده هایی که محدود نمودن یا تسریع توسعه در آنها الزامی است. رعایت اصول ایمنی و الگوی پدافند غیرعامل (از قبیل استفاده از شرایط جغرافیایی و عوارض طبیعی، پراکندگی مناسب در پهنه سرزمین، انتخاب عرصه های امن به لحاظ سوانح طبیعی و غیر مترقبه و انتخاب مقیاس بهینه در استقرار جمعیت و فعالیت ها در راستای کاهش آسیب پذیری در برابر تهدیدات و بهره مندی از پوشش مناسب دفاعی) تاکید خاص برآمایش مناطق مرزی برای بهبود شرایط زندگی و افزایش سطح توسعه این مناطق به منظور ارتقای امنیت مرزهای کشور ارتقای نقش موثر در همکاری های منطقه ای و بین المللی براساس منافع ملی</p>
<p>قانونی - مدیریتی</p>	<p>دستگاههای اجرایی کشور موظفند برنامه های عملیاتی خود را به گونه ای تنظیم نمایند که اجرای اقدامات، عملیات و سرمایه گذاری های مربوطه، زمینه تحقق جهت گیریهای ملی آمایش سرزمین را فراهم کند. تضمین حق بهره برداری عمومی از ساحل و دریا به عنوان یک ثروت ملی</p>
<p>کابردی</p>	<p>تعادل بخشی به توزیع جمعیت و فعالیت متناسب با منابع، توان محیطی و ظرفیت تحمل زیست بومها قانونمند کردن شیوه بهره برداری، استقرار فعالیت ها و زیرساخت و سازها در مناطق ساحلی همراه با ایجاد بسترهای حقوقی لازم استفاده بهینه از فضا و منابع ساحلی و کاهش رقابت در بهره برداری از این منابع میان کاربران استقرار نظام یکپارچه اطلاعات در مناطق ساحلی</p>
<p>زیست محیطی</p>	<p>حفاظت و احیاء زیست بوم های ساحلی و دریایی جلوگیری از تخریب و آلودگی محیط زیست مناطق ساحلی ارتقاء ظرفیت های مقابله با مخاطرات محیطی و حوادث غیر مترقبه</p>

سازمان بنادر و دریانوردی، ۱۳۸۸.

۴. نتیجه‌گیری

معمولاً مناطق ساحلی از ابعاد مختلف دارای اهمیت هستند؛ به‌گونه‌ای که امروزه دسترسی به آب‌های آزاد به‌عنوان یکی از معیارهای ارزیابی قدرت هر کشور در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌شود. این مهم، زمانی اهمیت بیشتری پیدا خواهد کرد که جوامع محلی - منطقه‌ای ذی‌نفع از سواحل، در یک سطح قابل‌قبولی از رفاه و توسعه‌یافتگی متناسب با پتانسیل‌های این‌گونه مناطق باشند؛ و‌گرنه صرف داشتن مناطق ساحلی (با جوامع ذی‌نفع فقیر و کم‌توسعه‌یافته) برای هیچ دولت - ملتی امتیاز ویژه‌ای محسوب نخواهد شد. متأسفانه طی دهه‌های گذشته در سواحل جنوبی کشور محور توسعه و توجه بیشتر به سواحل خلیج‌فارس معطوف بوده و در این بین سواحل مَکّران (دریای عمان) مغفول مانده و به‌نوعی به حاشیه رانده شده است. علیرغم این موضوع، پرواضح است جهت دستیابی

به توسعه و پیشرفت در بخش خاوری کشور و به‌ویژه در منطقه جنوب‌خاوری ایران زمین؛ بهترین و پایدارترین راه، سرمایه‌گذاری و بهره‌گیری مناسب از موقعیت ممتاز جغرافیایی و ژئواستراتژیک سواحل مکران خواهد بود. مناطق ساحلی کشور مناطقی هستند توسعه‌یافته که به‌عنوان پل ارتباطی و تعامل با سایر کشورهای جهان، تسهیل‌کننده روابط درونی و بیرونی اقتصاد کشور بوده و ضمن کمک به ایجاد تعادل‌های منطقه‌ای، استفاده از موقعیت جغرافیایی و منطقه‌ای کشور، استفاده پایدار از منابع و قابلیت‌ها و حفظ محیط‌زیست، امنیت مناطق داخلی از طریق مرزهای آبی را تضمین نموده و در مجموع به‌عنوان نمادی از توسعه‌یافتگی کشور عمل می‌نمایند. سواحل جنوبی کشور نیز به‌عنوان نمادی از اقتدار ملی با استفاده از منابع آب‌های آزاد و ظرفیت‌های کشور در زمینه منابع انرژی و معدنی، قابلیت‌های صنعتی، بازرگانی، حمل‌ونقل و ترانزیت و همچنین قابلیت‌های علمی و منابع انسانی به‌عنوان خط مقدم تعامل کشور با جهان به حساب می‌آیند. کرانه‌های دریای عمان (مکران) از گواتر تا خاور جاسک و حتی تا سیریک، نه تنها کمتر توسعه‌یافته‌ترین کرانه دریایی ایران است؛ بلکه برپایه شاخص‌های همه‌جانبه توسعه اقتصادی-اجتماعی، عقب‌افتاده‌ترین ناحیه ایران به‌شمار می‌رود. طرح مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی برای دسترسی به هدف‌های خود مبنی بر ساماندهی سواحل کشور، این مهم را باید در صدر اولویت‌های خود قرار دهد (سازمان بنادر و دریانوردی، ۱۳۸۸؛ ۲۶).

بنابراین، جهت سامان‌دهی و مدیریت مناسب مناطق ساحلی، تهیه و اجرای دقیق طرح مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی به‌منظور استفاده بهینه و پایدار از پتانسیل‌های این‌گونه مناطق لازم و ضروری است. در واقع، پایداری سواحل به اعمال مدیریت مناسب مبتنی بر اصول و متغیرهای پایه بوم‌شناختی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی و نظامی بستگی دارد. در این‌راستا، طرح مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی به‌صورت یک ابزار مناسب، سریع و مفید به‌عنوان بخشی از آمایش سرزمین و توسعه پایدار که به‌صورت اختصاصی بر مناطق ساحلی تأکید دارد، مورد استفاده قرار می‌گیرد (Goneroglu, ۲۰۱۴: ۴). سخن پایانی اینکه، مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی به‌عنوان کلیدی اساسی برای توسعه یکپارچه محیط‌های طبیعی، اقتصادی و فرهنگی، در درون مناطق ساحلی فراهم می‌آورد.

مراجع

۱. ثروتی، محمدرضا (۱۳۹۳): جغرافیای طبیعی دریاها و سواحل (ترجمه)، چاپ سوم، تهران، انتشارات سمت.
۲. ثروتی، محمدرضا، انصاری‌لاری، احمد، منصوری، رضا (۱۳۹۴): چارچوب نظری و راهبردهای برنامه‌ریزی به‌منظور مدیریت یکپارچه ناحیه ساحلی و حوضه رودخانه (ترجمه)، چاپ دوم، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۳. سازمان بنادر و دریانوردی (۱۳۸۸): خلاصه گزارش مطالعات برآیند مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی کشور (ICZM)، تهران، سازمان بنادر و دریانوردی، معاونت فنی و مهندسی، اداره کل مهندسی سواحل و بنادر.
۴. علایی طالقانی، محمود (۱۳۹۰): ژئومورفولوژی ایران، انتشارات قومس.
۵. قنوتی، عزت‌الله، حیدری، سید عبدالسلام، منصوری، رضا (۱۳۹۲ الف): نقشه مورفولوژیکی خط‌هوشمند ساحلی، رویکردی نو به سواحل و خط ساحلی، تهران، ماهنامه بندر و دریا، سال بیست و نهم، پیاپی ۲۰۷، صص: ۷۹-۸۳.
۶. قنوتی، عزت‌الله، منصوری، رضا، حیدری، سید عبدالسلام (۱۳۹۲ ب): نقشه مورفولوژیکی خط‌هوشمند ساحلی و لزوم تهیه آن برای کرانه‌های شمالی و جنوبی ایران، تهران، مجله اطلاعات جغرافیایی (سپهر)، دوره ۲۲، شماره ۸۶، صص: ۲۹-۴۱.
۷. گودرزی نژاد، شاپور (۱۳۷۸): ژئومورفولوژی و مدیریت محیط، جلد دوم، تهران، انتشارات سمت.

۸. Bird, E. (۲۰۱۰); Encyclopedia of the World's Coastal Landforms, University of Melbourne, Australia, First Edition, Springer Publisher.
۹. Ghanavati, E, Firouzabadi, P. Z. Jangi, A. A. Khosravi, S. ۲۰۰۸; Monitoring Geomorphologic Changes Using Landsat TM and ETM+ Data in the Hendijan River Delta, Southwest Iran, International Journal of Remote Sensing, Vol. ۲۹, No. ۴, PP. ۹۴۵-۹۵۹.
۱۰. Guneroglu, Abdulaziz and et al (۲۰۱۴); "Dynamic Management of the Coasts: marine spatial planning", maritime Engineering, Vol ۱۶۷.

